

تحلیلی بر مقاله اعلیحضرت

در دیلی تلگراف لندن ۳۰ سپتامبر

زیر عنوان «روش‌های مشارانه اعمال تحریم بر علیه ایران»

مقاله مزبور به اجلاس گروه ۵ بعلاوه یک؛ که بمنظور کاستن از تشویش بین المللی در مورد برنامه اتمی ایران تشکیل گردیده خوشبین نیست. و آنرا تجدید بازی های گذشته میدانند و عقیده دارد که «اینک زمان آن است که راه جدیدی را آزمایش کنیم.»

راه پیشنهادی مقاله:

«اکنون زمان آن فرا رسیده است که رهبران جهانی از حقوق بشر مردم ایران پشتیبانی کنند، با چنین اقدامی آنها به ملت ایران چنان قدرتی خواهند داد که بتوانند مسئله اتمی را حل کنند.»

غرب با حمایت از مردم ایران و مبارزه آنها برای دستیابی به حقوق بشر تاکید بر اهمیت آزادی های آنان بزرگترین متحد خویش را در موضوع اتمی خواهد یافت»

چگونگی اجرای طرح پیشنهادی:

اعلیحضرت در مقاله خودشان کیفیت اجرای طرح پیشنهادی را چنین ارائه فرموده اند:

«اگر غرب تحریم های جدیدی برقرار کند که حقیقتاً به فریاد آزادی ملت ایران مرتبط باشد بزرگترین متحد خود را در مبارزه با رژیم اسلامی، با سلاح قدرتمند همبستگی بین المللی مجهز و مسلح ساخته است. این قیام می تواند ثبات خاورمیانه را از پایه و اساس تغییر دهد. درحالیکه جهان در جر و بحث کیک زرد بسر میبرد، مردم ایران هنوز به جنبش سبز خود برای آزادی، امید و حقوق بشر اعتقاد و باوردارند.»

شرح طرح:

طرح مورد نظر مقاله و توضیحات وابسته به آن ناظر است که طرح بر دو پایه زیر استوار است:

۱- تحریم های اقتصادی ایران بوسیله غرب

۲- کمک به جنبش سبز

تخت - تحریم های اقتصادی

تحریم، به معنای حرام کردن و قدغن ساختن چیزهایی است که مورد تحریم قرار گرفته است. حرام کردن و یا حرام بودن اشیاء برای مردم روشن است زیرا یک اصطلاح شرعی است ولی در مورد حقوق بین المللی یعنی وقتی تحریم متوجه اقتصاد کشور می گردد مفهوم آن مانند تحریم دینی برای مردم چندان روشن نیست؛ معنی و مفهوم آن وقتی روشن می شود که تحریم اقتصادی به اجرا درآید.

تحریم کشورها سابقه ای بسیار قدیمی دارد، در قدیم، تحریم از طریق محاصره شهرویکشور صورت می گرفت و مردم کشور تحریم شده از فرط گرسنگی و درماندگی حتا حیوانات وحشی یا خانگی را هم مانند سگ و گربه میخوردند. در کشور خودمان افاغنه هنگام حمله به اصفهان چنان آن شهر را به تحریم کشیدند که بنوشته تواریخ مردم جسد حیوانات را هم می خوردند. در تورات مکرر در مکرر یهوه به تحریم شهر ها تاحدی که مردم فرزندان خودشانرا هم می خورند اشاره کرده است.

تحریم کشور ها؛ نوعی جنگ است:

مختصر بالا بدین سبب به تصدیق رفت که این تحقیق بتواند نگاه را متوجه این حقیقت سازد که تحریم اینک نوعی جنگ و مخاصمه است که بین یک یا چند کشور صورت می گیرد. به همین دلیل منشور سازمان ملل متحد، تحریم اقتصادی کشورها را از حقوق کشور ها خارج و آنرا در اختیار سازمان ملل و شورای امنیت قرار داده است. ماده ۴۱ منشور سازمان ملل براین قرار استوار است:

«شورای امنیت برای عملی ساختن تصمیمات خود میتواند تصمیم به اقداماتی که مستلزم بکار بردن نیروهای مسلح نباشد بگیرد و اعضای ملل متحد را دعوت کند که آن اقدامات را به موقع اجرا بگذارند اقدامات مزبور ممکن است شامل قطع تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و یا ارتباط راه آهنی، بحری-هوایی، پستی- بی سیم یا با سیم و سایر وسایل ارتباط جمعی و همچنین قطع روابط سیاسی باشد.»

بنابراین، به حکم منشور سازمان ملل متحد، نه کنگره آمریکا و نه هیچ کشوری و چه غرب و یا شرق (درمقاله مورد نقد، از غرب خواسته شده که تحریم های اقتصادی علیه ایران را آنها از نوع جدید آن به اجرا درآورد) حق ندارد که کشور ثالثی را طرف تحریم قرار دهد. اینکار و تصمیم از حقوق شورای امنیت سازمان ملل متحد است لذا:

مقاله نمیتوانسته است که از غرب درخواست اعمال تحریم های جدید علیه ایران را بنماید. این چنین انتظار و درخواستی، نه تنها بی اعتنائی به موازین منشور سازمان ملل است بلکه بطور حتم نوعی همکاری و ایجاد حقانیت و دعوت خارجیان به تحمیل مصائب ناشی از تحریم به مردم ایران هم هست.

به تحقیق و بطور مسلم، تحریم های اقتصادی آنها از نوع جدید آن که متوجه تحریم بنزین مصرفی مردم است، بلانی به سر مردم خواهد آورد که فشار های ناشی از سلب آزادی قطره ای در مقابل آن محسوب نمی شود.

اگر عدم رعایت حقوق بشر و خشونت های رژیم حاکم، گروهی از فعالان سیاسی را در عذاب قرار میدهد تحریم اقتصادی، خاصه از طریق انرژی سوخت، کل و جزء مردم ایران را به استیصال و گرفتاری غیر قابل تصوردرعین حال سبب سلب روحیه مقاومت از مردم میگردد، بدون آنکه تحریم ها حتا از نوع بنزین آن موجب

سقوط رژیم گردد. چنانکه چنین تحریم‌هایی سبب سقوط حکومت‌های زیمبابوه و کوبا و کره شمالی حتا ایران که سالها است در چنبره انواع تحریم‌ها قرار دارد نشده است.

اعلیحضرت (نویسنده مقاله) در سالهای قبل بطور اصولی و قطعی با تحریم‌های اقتصادی مخالفت میفرمودند و علت را هم فشار غیر قابل تحمل به مردم و طبقه غیر حاکم کشور می دانستند درحالیکه مقاله مورد بحث می گوید:

«گرچه ثابت شده است در دیپلماسی، برقراری تحریم‌ها می تواند وسیله مفیدی باشد؛ اما نتیجه آن به زحمت افتادن شهروندان یک کشور و صدمه خوردن به بسیاری از افراد بی گناه به سبب خطاهای عده ای لجوج است» با این برداشت درست و حکیمانه چرا باید بخاطر لجاجت معدودی افراد به عدم رعایت حقوق بشر، ملت بیگناه ایران گرفتار تحریم‌ها آنهم از نوع جدید بشود.

در زمان بوش بواسطه توهم از بروز جنگ قیمت نفت به بشکه ای صد دلار رسید، بلا فاصله هزینه زندگی در جهان بطور سرسام آوری بالا رفت و بحران کنونی جهان نتیجه همان بالا رفتن مواد سوختی است. آیا دشوار است که بعد از تحریم بنزین، تصویر سختی معیشت مردم بی نوای ایران را از هم اکنون ترسیم کرد؟

در هیچ کجای اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا منشور سازمان ملل متحد؛ عدم رعایت حقوق بشر از ناحیه کشورها آنچنان خطری که بتواند امنیت حیاتی را مختل کند و یا در حدی شناخته شود که تصمیم گیری شورای امنیت را لازم داشته باشد، دیده نمی شود. کدام کشوری در جهان بواسطه عدم رعایت حقوق بشر از سوی شورای امنیت سازمان ملل محکوم به اجرای تحریم‌های اقتصادی شده است که ایران دومین آن باشد؟

تلویزیون کاتال یک مصاحبه ای داشت بایک ایرانی داخل کشور (تلفنی) از آن ایرانی پرسیده شد آیا شما موافق حمله آمریکابه ایران هستید؟ آن ایرانی گفت؛ ایدا زیرا مردم بیگناه گشته می شوند. بعد پرسیده شد؛ آیا با تحریم‌های اقتصادی موافقت می کنید؟ آن ایرانی گفت: «آقا شما از وضع معیشت مردم ایران بی اطلاع هستید که مسئله تحریم را مطرح می کنید، تحریم یعنی قحطی، چپاول دولتیان، مرگ خانواده ها که هم اکنون در حال نزاعند...»

سازمان حقوق بشر و تحریم اقتصادی:

در همین هفته جاری آمار از سوی سازمان حقوق بشر وابسته به سازمان ملل متحد صادر شده است که رژیم ایران ۲۵ بار در سال گذشته نقض فاحش حقوق بشر داشته است.

در این حال، چرا کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از رهبران کشورها درخواست نکرده و نمیکند که تحریم‌های جدید و سختی علیه ایران به اجرا بگذارد؟

زیرا که؛ نه کمیسیون حقوق بشر این حق را دارد و نه رهبران کشورها تا چه رسد به اینکه شهروند یک کشور از رهبران کشورها خارج درخواست تحریم هموطنان خودش را بکنند.

تحریم و نقل قول:

مقاله، برای طرح مسئله تحریم و لزوم آن، راه نقل قول را اتخاذ کرده است، با این توضیح که مقاله خواسته، مسئله لزوم تحریم را از قول دیگران عنوان کند نه عقیده شخصی نویسنده مقاله. در این باب اینطور نوشته است:

«بسیاری از هم میهنانم به من خاطر نشان ساخته اند؛ در صورتیکه معتقد شوند و مطمئن باشند که برقراری تحریم ها به عمر ستم و بیداد روحانیون پایان خواهد داد و نیاز مردم ایران را به رعایت موازین حقوق بشر تامین خواهد کرد آماده اند در کوتاه مدت سختی های ناشی از آنرا تحمل کنند»

تحریم اقتصادی یک امر یکطرفه و تحمیلی است که کشوری به کشور دیگر تحمیل می کند. تحریم از امور قراردادی و مرضی الطرفین نیست که قابل شرط و شروط باشد. در تحریم، تحمیل کننده است که ممکن است قائل به شرط بشود نه مردم کشور زیر تحمیل. (!)

بنابراین:

۱- نقل قول از «بسیاری از هم میهنانم» درمورد موافقت با تحریم مشروط بکلی بی اعتبار و غیر قابل توجیه است.

۲- توسل به قول دیگران و ارائه شروطی برای وجاهت دادن به طرح تحریم است که مقاله از آن استفاده کرده است و مقاله از این شگرد خواسته است از نویسنده رفع مسئولیت بنماید زیرا، نویسنده مقاله دقیقاً متوجه اثر زیان بار چنین طرحی برای مردم ایران خاصه مسئولیت های ناشیه از آن بوده است که راه نقل قول را برگزیده است. (!)

۳- برای مزید استحضار این اشاره بجاست که شروطی که در نقل قول آمده از قبیل «معتقد شدن»، «مطمئن شدن» رابطه مثبت تحریم ها یا با پایان ستم روحانیون و «کوتاه مدت» شروط مجهول و غیر قابل اثبات است، یعنی رابطه حقوقی مسنول بین تحریم و شرائط مزبور که موهوم است استوار نمی باشد و در نتیجه، شروط باطل و عمل تحریم و موافقت با آن جاری خواهد بود.

نقل قول در جایگاه مسئولیت:

عرض شد که درخواست تحریم اقتصادی ایران بر پایه نقل قول زیرعنوان «بسیاری از هم میهنان» به این دلیل است که درخواست تحریم فارغ از مسئولیت نویسنده مقاله گردد.

درست است که درباب افترا در حقوق کیفری عقیده عده ای از حقوقدانان چنین است که نقل قول از دیگران رافع مسئولیت مفتری است و قآآنی نیز باور مذهبی را در بیت زیر پیاده کرده است:

حکایتی که کس از قول دیگران گوید
اگر صواب بود و ر خطا معذور است

ولی شرط حقوقی و نیز شرعی برای رفع مسئولیت ناقل (حکایت کننده) این است که صاحب اولیه قول، معلوم و مشخص باشد، باید عاقل و بالغ و رشید باشد و دسترسی به او ممکن باشد، انتساب موضوع به او هم مشکوک نباشد و یا اثری از او باقی باشد که بتوان رابطه بین ناقل قول و صاحب قول را بخوبی دریافت و این رابطه باید چنان باشد که بشود به سراغ صاحب قول رفت و اگر خطائی باشد، خطا صاحبش را پیدا کند. زیرا «حق در گمراهی و جهل شناخته نمی شود».

در تطبیق مورد با استفاده مقاله از نقل قول؛ نه معلوم است که هم میهنان چند نفر بوده اند و نه معلوم است که چه کسانی بوده اند، نه میتوان به آنها رجوع کرد و نه معلوم است که عاقل و بالغ ورشید بوده اند و اصلاً معلوم نیست که آنها چه صلاحیتی داشته اند که از جانب مردم ایران مسئله تحمل تحریم را تجویز کنند.^۱

برخی از حقوقدانان در قضیه مسئولیت در نقل قول از دیگران قائل به تفسیر شده اند و می گویند اهمیت موضوع افترا و یا نقل قول؛ مسئله ای است که باید مورد توجه قرار گیرد. آنها به اتفاق عقیده دارند «نقل قول از دیگران باید در حدی باشد که به جان و ناموس و حیثیت دیگران چنان لطمه ای وارد نکند که با رضایت شاکی خصوصی جبران نا پذیر باشد» قآنی در بیت دوم بیتی که مورد استناد قرار گرفت گفته است:

حدیث کفر کسی گر ز دیگری شنوی مخوان کافر کز رسم مردمی دور است

قآنی واژه «کفر» که کیفر ارتداد را دارد و در حقوق اسلامی همعرض جنایت است مرز بین مسئولیت و معذوریت گرفته است.

نظریه حقوقی:

۱- نظریه اینکه تحریم اقتصادی یک کشور از اسباب قحطی، مرگ و میر، بیماری و سختی معیشت عمومی است لذا نقل قول از دیگران، گرچه دیگرانی وجود داشته باشد و عاقل و رشید و بالغ هم باشند، سالب مسئولیت در خواست کننده، تحریم اقتصادی کشور نمی شود.

۲- مسئولیت و درجه آن در رابطه با مقام و موقعیت مسئول است. درحالیکه در زیر همان مقاله آمده: «شاهزاده رضا پهلوی از پیشروان دفاع از حقوق بشر و دموکراسی سکولار در ایران است» مسئولیت اعلیحضرت را از حد یک شهروند عادی که انتظار خودشان است خارج و در مقام حد اقل پیشرو ایرانیان طرفدار حقوق بشر و دموکراسی سکولار قرار میدهد و در نهایت اثر مقاله مزبور دامان همه طرفداران دموکراسی سکولار و حقوق بشر را در خارج از کشور و داخل کشور خواهد گرفت و میشود؛ تحمیل اقتصادی به ملت ایران بنا به درخواست طرفداران حقوق بشر و دموکراسی سکولار در خارج است کشور بوده است.

تشریح مساعی و هم آهنگی مقاله با طرح تحریم ایران در کنگره آمریکا:

مسئله نقض فاحش حقوق بشر از سوی رژیم غاصب ایران سال ها است که جاری و درجهان حقوق مطرح است ولی همزمانی طرح آن در کنگره آمریکا آنهم تحت عنوان یک تحریم جدی جدید؛ با همزمانی مقاله مزبور میتواند درباب زمینه مساعد ساختن کنگره با اجرای تحریم بسیار موثر شناخته شود.

تأثیر مقاله در تصمیم کنگره آمریکا:

^۱ - تایپ کننده این خطوط؛ همواره مدعی شده است بایستی پیش از همه گونه ادعای دموکراسی و یا آزادی بایستی مردم را به حقوق حقه شان آشنا کرد. همانطور که می بینیم در این جا نیز یک حقوقدان کار کشته به نکات ظریفی اشاره میکند؛ چنانچه شخص از این حقوق آگاه باشد، به آسانی می تواند در مقابل قانون از خود دفاع کند، رفع مسئولیت بشود و یا حق خود را در دادگاه ها بستاند. بطور نمونه قانون اساسی جمهوری اسلامی حق انتخاب لباس را در نظر گرفته است، ولی هیچ ایرانی تا بحال نتوانسته از آن ماده بهره بگیرد زیرا یا قانون را نخوانده و یا درک نکرده و یا نحوه عنوان حق را نمی دانسته است. ح-ک

آمریکا بمناسبت حق وتونی که کشور های روسیه و چین در شورای امنیت سازمان ملل دارند براحتی نمیتواند خواسته های خودش را از جمله تحریم کشور ها پیاده کند. وقایع جهانی نشان می دهد که آنها همواره شورای امنیت را دور می زنند و در کلامی روشن، شورای امنیت را در مقابل عمل انجام شده قرار میدهند و شگرد معمول آنها یکی این است که سعی می کنند در انجام کاری که خود میخواهند ونمیتوانند از طریق شورای امنیت حرکت کنند، کشور های دیگر هر قدر هم که ناچیز باشند را همراه خود نمایند تا به عمل خلاف خود، مقبولیت جهانی بدهند و از طرفی مانع طرح محکومیت در سازمان ملل متحد گردند.^۲

شگر دیگر آنان که بسیار معمول و برای زمینه سازی اعمال خلاف قانون بکار گرفته می شود؛ کسب نظر شخصیت های صاحب نظر است که از طریق مصاحبه و یا مقالات به اعمال خلاف قانون خودشان مقبولیت می دهند.

تمایلات رونامه ها، اظهار نظر شخصیت ها، مفسرین سیاسی و اجتماعی، در حقیقت نماینده افکار و عقاید جوامع به مسائل ومشکلات و راه حل آنها است. در مناقشات بین المللی بین کشور ها همان روزنامه ها و اظهار نظر شخصیت ها اسناد قاطع برای حل و فصل موضوعات است و اساسا حقوق بین الملل برپایه همین ابزار است. تصور می کنم چند نمونه کوتاه موضوع را بهتر روشن و نقش این ارگان را در پیشبرد مقاصد کشور ثابت می نماید.

نمونه ها:

شهود قضیه:

در راستای استفاده آمریکا، خاصه کنگره از نظر شخصیت های صاحب نظر میتوان به نمونه های زیر که در جهت زمینه سازی تصمیم کنگره به تحریم اقتصادی ایران است اشاره کرد:

شاهد اول:

این روزها مسئله تحریم فراگیر ایران در راستای آمریکا مطرح است و یا بود، تحریم بنزین از جمله تحریم های فراگیر ایران است. سناتور کریستوفر، رئیس دموکرات کمیته امور بانکی سنا دنبال این کار است او گفته است: «ایالات متحده نباید موضوع حقوق بشر را در ایران فراموش کند و درکنار مذاکرات اتمی نباید مسئله تحریم ها به کنار گذاشته شود.»

شاهد دوم:

شیرین عبادی در مصاحبه ای گفت: «مردم ایران نگرانند که آمریکا در موقع مذاکرات اتمی با ایران، مسئله حقوق بشر را فراموش کند و یا معامله کند»

شاهد سوم:

^۲ - از شگرد های دیگرشان بوجود آوردن کشور های کوچک با ترفند تجزیه و تقسیم کشور هائی همانند یوگسلاوی وتکه پاره کردن کشور های آفریقائی و آسیائی تا اقماری برای خود درست کرده و بتواننددر مقام اقلیت با اکثریتی مصنوعی در برابر اکثریت گوش به فرمان، خودرا در مظلومیت قرار دهند. این روش در بین کشور های مشترک المنافع انگلستان و مستعمرات پیشین انگلستان و کشور های تحت نفوذش بسیار مرسوم است. ح-ک

روزنامه لس آنجلس تایمز اشاره ای داشته از گفتگوی «جان هانا» که ۴ سال معاون دیک چینی و از اعضای موثر موسسه واشنگتن در سیاست خاور نزدیک است با افرادی از وابستگان به جنبش سبز که از ایران خارج و در آلمان اقامت دارند. در بخشی از این گزارش نوشته است: «... من از برخی از آن افراد که در میان آنها بعضی شخصیت های نزدیک به رهبری جنبش سبز حضور داشتند شنیدم که گفتند؛ این تحریم باید اعمال بشود و این تحریم باید هرچه شدیدتر باشد، تحریم محدود و یا تدریجی فقط به رژیم این امکان را می دهد که با وضعیت جدید خودش را تطبیق دهد آنها گفتند برای اینکه تحریم موثر باشد باید بصورت شوک وارد شود که فلج کننده باشد نه بصورت واکسن»

شهادت مقاله:

«اگر در مسئله غنی سازی اورانیوم همچنان مبارزه اخلاقی برای مهمترین آزادی بنیانی و اساسی انسان، نظر بر خورداری از آزادی و حق انتخاب آزاد و منصفانه را تحت الشعاع قرار دهد برآن ارجحیت بدهند آنگاه چنین بنظر خواهد رسید که گروه ۵ بعلاوه یک مردم ایران را در مخصه و گرفتاری شدید آنها را به فراموشی سپرده و آنها را به حال خود رها کرده است»

شاهد دیگر:

مایکل تالمن سردبیر مجله دیموند در مقاله خود زیر عنوان «چرا باید به مخالفان رژیم ایران کمک کرد» نوشت: «... مردم ایران که خواهان ودلبسته آزادی و صلحد واقعا بهترین متحد جامعه بین المللی بشمار میروند. این مردم بمب زدایی هستند که میتوانند بمب ایرانی را بی اثر سازند باید از حقوق آنان برای نیل به آزادی بیان و آزادی رفتار جانبداری و پشتیبانی کرد.»

حکم به استناد شهادت:

بعد از این شهادت ها که جاده صاف کن دولت آمریکا در تصمیم گیری تحریم های فراگیر ایران می باشد، آقای بایدن معاون رئیس جمهوری آمریکا همین روزها در کنفرانسی با رئیس دولت چک در پراگ اظهار داشت: « کاخ سفید هرگز پشت ایرانیان را به خاطر مذاکرات هسته ای خالی نخواهد کرد. ما نه تنها به هیچ نیروی دموکراتیکی در ایران پشت نمی کنیم بلکه حتا فکر قربانی کردن آنها را بخاطر پیشرفت مذاکرات هسته ای هم در ذهن خود نداریم. اظهار نگرانی برخی از ایرانیان موجه نیست ما به آنها پشت نمی کنیم چرا که به ضرر منافع دراز مدت ماست.»

روشن است که اظهارات بایدن در رابطه با تحریم و حمایت از مخالفین رژیم غاصب از نظر حقوقی نوعی دخالت در امور کشور ها و خلاف موازین منشور سازمان ملل متحد است. اما، این اشکال و نگرانی در آمریکا با درخواست «شخصیت های نزدیک به رهبری سبز» که مترادف با معنای خواست جنبش سبز را میسراند و با درخواست خانم شیرین عبادی که بالاخره دارنده جایزه صلح شناخته می شود و از همه مهمتر مقاله مورد بحث که منتسب به شخصی است که شهرت جهانی دارد و در حفظ حقوق ملت ایران هم سوگند یاد فرموده اند وزیر همین مقاله هم بعنوان پیشگام دموکراسی و سکولار معرفی شده اند، سالب اشکال و نگرانی و موجب تصمیم کنگره و اظهارات بایدن می شود.

تصادف نا خوش آیند:

این تحریر، قاصد این مطلب نیست که گفته باشد بین مقاله مورد بحث و اظهارات شهود و تصمیم‌کنگره وبالاخره اظهارات بایدن؛ یک هماهنگی قبلی وجود داشته است؛ بسیار هم ممکن است همه این جریانات تصادفی باشد ولی بهرحال، تصادفی شوم و نا خوش آیند و اتخاذ سندی است که برای آمریکانیها ایجاد حقانیت در تحمیل تحریم‌های جدید [سفت و سخت و شوک آور] می‌نماید.

پایه دوم کمک به جنبش سبز

عرض شد مقاله مورد بحث بردوپایه - تحریم‌های اقتصادی ایران بوسیله غرب و - دوم لزوم کمک به جنبش سبز استوار است.

پایه یکم مورد نقد و تحلیل قرارگرفت اکنون باتفاق به پایه دوم می‌پردازیم. مقاله با هدف کمک به جنبش سبز نوشته است؛

«قدرت بخشیدن به اپوزیسیون ناراضی اختلافات داخلی را ترغیب و طولانی تر می‌کند و تداوم ناآرامی‌های داخلی کلید اصلی شکستن طلسم روحانیون است.»

مقاله اپوزیسیون ناراضی را چنین تشریح کرده است:

«... درحالیکه جهان در جروبحث کیک زرد به سر می‌برد، مردم ایران هنوز به جنبش سبز خود برای آزادی امید و حقوق بشر اعتقاد و باور دارند»

به گوشه‌های از کمک به جنبش سبز نگاه کنیم:

مقاله؛ از غرب خواسته است که به اپوزیسیون ناراضی قوت بخشد تا تداوم ناآرامی‌های کشور ادامه پیدا کند.

تصور نمی‌کنم کسی باشد که ادعا کند تظاهرات و ناآرامی‌های بعد از به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری وابسته به جنبش سبز بدون کمک خارجیان صورت گرفته باشد. نمونه‌های زیر میتواند تصور را در مسیر یقین قرار دهد.

نمونه اول: گزارش خزانه دار سابق آمریکا و مفاصا حساب قبل از صورت حساب:

بنابر نوشته روزنامه پاکستانی «آلرت پرس» ژنرال میرزا اسلم، فرمانده سابق ارتش پاکستان در مصاحبه رادیویی «پشتونی» گفت شواهد و مستندات محکم اطلاعاتی وجود دارد که سازمان سیا ۴۰۰ میلیون دلار درایران هزینه کرده است تا یک انقلاب رنگین براه بیاندازد.

«پل کریگ رابرتز»^۳ خزانه دارد سابق آمریکا در باب انتخابات ایران گزارشی منتشر کرده و در آن گزارش اظهارات ژنرال اسلم پاکستانی را تانیدنموده خزانه دار مزبور در گزارش خودش نظریه ای به وزارت خارجه آمریکا داده که بسیار جالب و مورد استفاده این تحریر است گفته است:

«برنامه ریزی برای حمایت انقلاب مخملی در ایران خیلی بیش از این که تاکنون واشنگتن هزینه کرده برای ارتباط و هزینه سفر ها و دیگر هزینه ها و غیره به پول نیاز دارد، آمریکاباید واقعت فساد مالی در اوپوزیسیون را و هدر رفتن بخشی از این پول ها را ببیند.»

یعنی آمریکا چراغ سبز میدهد که ما هیچ حساب کتابی از پولهایی که برای انقلاب مخملی میدهیم نمیخواهیم هر قدر حیف و میل شود، اشکالی ندارد فقط انقلاب را جلو ببرید. (!)

آیا دشوار است که ارزش چک سفید و مفاصا حساب قبل از صورت خرج را نادیده گرفت و ادعا کرد که جنبش سبز از کمک خارجیان منتزع است؟! (!)

نمونه دوم - ۵۰ میلیون دلار کمک:

حدود پنجم امرداد ماه سال جاری بود که واشنگتن تایمز خبرداد سنای آمریکا ۵۰ میلیون دلار جهت کمک به نهضت های ایرانی اختصاص داده و نام آنرا هم Levis گذاشت.

نمونه دیگر - قربانیان سانسور:

در بودجه سال دفاعی پنتاگون برای سال ۲۰۱۰ مبلغ ۵۵ میلیون دلار زیرعنوان «قربانیان سانسور» اختصاص داده شده است که ۵ میلیون از آن برای جمع آوری مستندات نقض حقوق بشر از انتخابات اخیر ایران است و مبلغ مزبور در اختیار وزیر خارجه آمریکا قرار داده شده است.

نمونه سوم - خانم کلینتون:

خانم کلینتون وزیر خارجه آمریکا گفت «ماکار های زیادی انجام میدهیم تا معترضین را واقعا قدرتمند کنیم و به حمایت از اوپوزیسیون ادامه خواهیم داد»

نمونه دیگر:

«جری فلتمن» معاون وزیر خارجه آمریکا در نشست با عده ای از اعضای کنگره، یکی از اعضای کنگره به جری فلتمن گفت: «استراتژی کاربرد دیپلماسی به موازات تحریم برای مهار برنامه های هسته ای ایران یک استراتژی سست است و باید روش فراگیری در پیش گرفته شود، از جمله جنبش سبز در ایران پشتیبانی شود، کنار ایستادن ما در زمان ناآرامی های چند ماه پیش زیرکانه بود اما اکنون سکوت ما قابل توجیه نیست (سایت صدای آمریکا ۲۸ اکتبر ۲۰۰۹)

ارائه همین سه نمونه کافی است که تصور به یقین مبدل شود حال این مسئله قابل طرح است که یا جنبش سبز به این کمک ها قانع است و یا کمک هائی از نوع دیگر درخواست دارد.

³ -Paul Craig Roberts

انتظار جنبش سبز: اقدامات نظامی آمریکا:

در قسمت اول تحریر در باب تحریم اقتصادی ایران و به گزارش «جان هانا» و اظهارات سران جنبش سبز که در خارج از کشور هستند استناد شد. اکنون به قسمت دیگر همان گزارش که در باره جنگ و کمک آمریکا به جنبش سبز و روی کار آمدن آن جنبش است اشاره می شود:

«روزنامه لس آنجلس تایمز خبری داشت از ملاقات «جان هانا» معاون دیک چینی و از شخصیت های موسس واشینگتن در سیاست خاور میانه و خاور نزدیک با عده ای از کسانی که خود را نزدیک به رهبری جنبش سبز معرفی کرده اند.»

جان هانا، پس از گفتگویی درباره تحریم اقتصادی ایران که شرح آن در همین لایحه به میان آمد درباره حمله نظامی آمریکا به ایران از افراد وابسته به رهبری جنبش سبز نظر خواسته است؛ در این باب اینطور نوشته است:

«درباره حمله نظامی از حاضرین نظر خواستم، آنها در این باب اختلاف نظر داشتند. اکثر آنها می گفتند مردم ایران در برابر تهاجم خارجی بسرعت متحد می شوند. اما عده ای که من با آنها مذاکره کردم این باور را ندارند و در عین حال شدیداً نگران هستند که رژیم بر اثر حمله نظامی فلج نشود و به جای آن جنبش سرکوب شود با وجود این نگرانی ها آنها پیشنهاد دادند بمباران همزمان تاسیسات اتمی و مراکز سیاه یاسداران و بسیج هر چند که مردم را هم نابود میکند موجبات جمع کردن بساط حکومت اسلامی به دست اوپوزیسیون را تسریع خواهد کرد.» (!)

با ملاحظه آنچه ارائه شد این برداشتها حاصل است.

- ۱- نویسنده مقاله، امید مردم را به آزادی و اجرای حقوق بشر، در گرو حیات سیاسی و موفقیت جنبش سبز میدانند.
- ۲- مقاله از کشور های آزاد جهان میخواهد که به جنبش سبز کمک کنند. نویسنده مقاله، در مقاله دیگری که در نشریه «هوفینگ تن»^۴ بتاريخ دوم نوامبر ۲۰۰۹ نوشته بطور جدی و آشکار جنبش سبز را تنها مرجع ذیصلاح برای دریافت کمک معرفی کرده است.
- ۳- نمایندگان جنبش سبز که از ایران فرار کرده و در خارج هستند در گفتگویی با جان هانا (شرح آن در همین تحریر منظور شده است) داشته اند کمک های مورد نیاز خود را بر دو پایه یکی تحریم های سخت و سفت که ایجاد شوک کند و دیگری حمله نظامی به ایران هر چند که با تلفات جانی مردم ایران همراه خواهد بود، اعلام کرده اند - تا با اجرای آن دو برنامه، سبزی ها بتوانند به حکومت برسند، درست همان برنامه احمد چلبی عراقی که حاصل اجرایی آن در عراق کاملاً مصداق اجرای خواسته های جنبش سبز از بیگانگان است.

بیقین برای نویسنده مقاله که در سی سال گذشته به حمایت از هیچ سازمان و یا اعتقاد سیاسی برنخاسته و از قبول هرگونه مسئولیتی شانه خالی کرده اند، حیرت آور خواهد بود که با توصیه به بیگانگان داور به کمک به جنبش سبز که خواهان حمله نظامی آمریکا به ایران و در عین حال تحریم های سخت و سفت می باشد مسئولیت بزرگی یعنی مشارکت در مجوز سازی برای حمله نظامی به ایران را مطرح می سازد.

⁴ http://www.huffingtonpost.com/reza-pahlavi/iran-with-whom-to-engage_b_344194.html

نویسنده مقاله که در خرداد ماه سال ۱۳۸۵ در مصاحبه با رادیو صدای ایران می‌فرماید «بعنوان یک ایرانی اصیل و میهن پرست محال عقل است که بتوانم تصور کنم که یک قدرت خارجی، ارتشش بخواهد به مملکت من حمله کند» (رضا شاه دوم - مشروح در سنگر ۲۳۲-۴۵۱)

پس از آگاهی از مقاصد جنبش سبز و انتظار و درخواست آنان از بیگانگان برای حمله نظامی به ایران حق نبود که در مقاله دیگری در نشریه «هوفینگ تن» آنقدر قرص و محکم خواستار ادامه کمک خارجیان به جنبش جنگ طلب سبز گردد برعکس بجا و بسیار هم بجا بود که در مقاله مزبور اثرات حمایت از جنبش سبز را منظور و آنرا خنثی میفرمودند. چرا که پس از اظهارات نمایندگان جنبش سبز به «جان هانا» و انتشار آن در روزنامه لس آنجلس تایمز؛ متأسفانه حمایت و تکلیف به خارجیان برای کمک به جنبش سبز، مشارکت و تنفیذ جنگ علیه ایران تلقی می‌گردد.

زمینه های حقوقی برای حمله نظامی آمریکا به ایران:

از آنجا که در این تحقیق به موضوع «اتخاذ سند» اشاره شد و گفتگو در باره «زمینه های حقوقی مساعد برای حمله نظامی به ایران» به اعتبار اتخاذ سند مطرح شد، لذا بجاست که در باره اتخاذ سند مختصر توضیحی همراه با نمونه هائی ارائه شود:

اتخاذ سند یک اصطلاح حقوقی است و آن بدان معنی است که یک طرف مرافعه، به سندی ویا وضعی استناد کند که آن سند ویا آن وضع از طرف مقابل صادر و یا ایجاد شده باشد.

در حقوق بین الملل، همانند حقوق خصوصی؛ اتخاذ سند سابقه مفصل و فراگیری دارد؛ چند نمونه اتخاذ سند در مراجع حقوقی بین الملل ارائه می شود:

نمونه اول-

دولت انگلستان برای پیشبرد ادعای مالکیت خود بر بحرین به نامه ای استناد کرد که یک بازرگان ایرانی مقیم بحرین به یک بازرگان انگلیسی مقیم لندن نوشته بود و در آن اشاراتی داشت از قبیل اینکه «بحرین زیر سایه دولت فحیمه انگلیس از امنیت و فراوانی برخوردار است و مردم عموماً دعا گوی دولت آن کشورند...»^۵

نمونه دیگر -

در جنگ عراق و ایران، نماینده عراق در سازمان ملل متحد برای اثبات این ادعای واهی که ایران آغاز گر جنگ بوده است به شماره های روزنامه آرا (ارتش رهائی بخش سرتیپ معین زاده) استناد نمود و همچنین به اظهارات مکرر بختیار که ایران را آغاز گر جنگ می شناخت، یعنی به این اسناد و شواهد اتخاذ سند شد.

و بسیار موارد دیگر که بخشی از آنها در سنگر ۲۶۲ منعکس است.

و اما بعد-

^۵ - هیچ بعید نیست آن بازرگان ایرانی از سوی مقامات ویا عوامل انگلیسی تطمیع هم شده بوده تا بتوان روزی از آن اتخاذ سند نمود. ح. ک

اسناد و شواهدی که زمینه های حقوقی مساعد برای حمله آمریکا به ایران را فراهم ساخته است بشرح زیر میتواند باشد:

- ۱- درخواست نمایندگان رهبران جنبش سبز از آمریکا برای حمله نظامی به ایران علیرغم اینکه کشتار مردم نیز مورد توجه قرار داشته است.
- ۲- برجسته ترین پیشگام نهضت دموکراسی و سکولار درخارج از کشور که شخصیتی است جهانی و مورد اعتماد و امید بخش عظیمی از مردم ایران می باشند و این شخصیت به آمریکا و اروپائیان توصیه حمایت از جنبش سبز را نموده و مینماید. و این امیدواری را به جهانیان داده اند که با پیروزی جنبش سبز، نه تنها مسئله منازعات اتمی حل و فصل خواهد شد بلکه آرامش به خاور میانه نیز باز خواهد گشت و در کلامی ساده، کلک حزب الله لبنان و حماس و فلسطین کننده خواهد شد.
- ۳- البته دانه اتخاذ سند آمریکا محدود به همین مراتب عرض شده نیست، آمریکا به روزنامه های ایرانی خارج از کشور استناد خواهد کرد، از جمله روزنامه عصر امروز که نوشت: «مردم گوششان به تبلیغات رژیم که می گوید - مردم آمریکا قصد حمله به کشور شما را دارد - بدهکار نیست جوان ها بدون ترس و هراس میگویند ما آماده ایم در یونیفرم ارتش آمریکا و درخدمت ارتش آمریکا با این رژیم و مردان مسلح آن بجنگیم، نود درصد مردم علنا می گویند ما میدانیم که آمریکا نمیخواهد به ایران لشکر کشی کند اما اگر لشکر کشی کند ما به سربازان آنها درخانه های خودمان غذا و جا میدهیم. (قاضی سعید - عصر امروز شماره ۳۰۹۶) ^۶

وروزنامه دیگر ایرانیان مقیم لس آنجلس (صبح ایران) نوشت:

«این روزها همواره مردم چشم به آسمان دوخته اند تا هواپیما های جنگی آمریکا را مشاهده کنند. همه اینها که ژست جنگ گرفته اند؛ سرنخشان در دست حکومت تهران و برای موجب و رونق کارشان است. وظیفه ما ایرانیان خارج از کشور این است که در هر زمینه ای آخرین اطلاعات خود را در اختیار مقامات وزارت خارجه آمریکا بگذرانند تا در تصمیماتشان دچار اشتباهاتی نشوند...»

درشرایط کنونی مهمترین مسئله مورد توجه جامعه ایرانی درخارج از کشور برقراری ارتباط های مستقیم با کمیته ایرانیان در وزارت خارجه آمریکا خانم چینی است (صبح ایران سرمقاله ۲۷۶۵ شرفشاهی) ^۷

هنگامیکه بوش صحبت از حمایت از ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی را به میان آورد؛ صبح ایران در سرمقاله خود بقلم «شرفشاهی» نوشت:

«حالا که سیاست آمریکا با ما ایرانیان خارج از کشور همراه شده است و وزیردفاع آمریکا اعلام کرده که ایرانیان مخالف رژیم جمهوری اسلامی را یاری خواهد داد ما وظیفه داریم که در هفته ای که پیش رو داریم با فکس از رئیس جمهوری آمریکا تشکر کنیم.» (!)

و در شماره دیگری نوشت:

^۶- این وقیح ترین نوع خواست یک پشت به میهن کرده است که به یک سرباز بیگانه در خانه خود خوراک و جا بدهد. خیانتی است غیر قابل بخشش. چرا که هیچ هجوم کننده ای به نفع مورد هجوم قرار گرفته جان به کف نخواهد شد. ح-ک
^۷- پست ترین نوع خیانت - تشویق مردم به جاسوسی به نفع بیگانه ای که قصد حمله نظامی به کشور را دارد. در همه جای دنیا مردم تشویق می شوند از دشمن خبر بگیرند این کسانی که نام خود را با «شرف» همراه کرده اند زشت ترین حرکت های ضد ملی را مرتکب می شوند. ح-ک

« ۲۰۰ هزار فکس از ایرانیان مقیم خارج به فکس رئیس جمهور آمریکا رسیده آنطور که فکس رئیس جمهوری ناچار شده قفل بشود»، درست است که کاملاً دروغ نوشته ولی این دروغ مسلم سندی محکم برای حقانیت حمله نظامی آمریکابه ایران آنچنان مورد استقبال ایرانیان خارج از کشور است که ۲۰۰ هزار فکس یکروزه به فکس رئیس جمهوری آمریکا مخابره می شود. در حالیکه در دنیای مطبوعات جهان هیچ روزنامه ای پیدا نمی شود که با درخواست از خوانندگان خود این چنین اشتیاق فراگیر به درخواست آن روزنامه نشان بدهند، بنابراین آسان است که اهمیت اتخاذ سند به نوشته های روزنامه های صبح ایران و عصر امروز دربرداشت عمومی مردم آمریکا و جهان ارزیابی کرد.

پازل ها در ترسیم فاجعه مجاز:

پازل هائی را که ملاحظه نمودید و اندکی از بسیارانست، اگر در کنار هم قراردهیم یک مجوز قاطع برای حقانیت آمریکا در حمله به ایران بوجود می آورد که اگر آمریکا از آن استفاده نکرده ویا نمیکند مسئله مربوط به ضعف ودرماندگی آمریکا است نه احترام به حق حاکمیت کشورها، ویا نگرانی از منشور سازمان ملل متحد. زیرا نمایندگان افکاری عمومی مردم ایران بوده است که دخالت نظامی آمریکا را در امر براندازی جمهوری اسلامی طلب کرده است.

امیر فیض حقوقدان

نوامبر ۱۰ - ۲۰۰۹